

عطر مهدی



روز مولود موعود در بیانات مقام معظم رهبری

انتظار منتظران مهی موعود، در درجه اول، انتظار استقرار عدالت است ...

درد بزرگ بشریت، امروز همین مسأله فقدان عدالت است. همیشه دستگه های ظلم و جور در سطح دنیا به شکل های مختلف بر مردم جایا کرده اند. بشریت را زیر فشار قرار داده اند و انسان ها را از حقوق طبیعی خود محروم کرده اند. اما امروز این معنا از همیشه تاریخ بیشتر است و رفع این را انسان از ظهور مهدی موعود می طلبد و انتظار می برد. مسأله مسأله طلب عدالت است ...

جوانان و روشنفکران و موم ملت ما با اعتقاد به ظهور مهدی، علیه الصلوة والسلام این اعتقاد را سخ را در دل خود پرورش می دهند که نظم قائمانه جهانی، قابل زوال است و ابدی نیست می شود. با آن مبارزه و در مقابل آن ایستادگی کرد ...

درد دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن های نیمه شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی، ارواحنا فداه، یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست. اما نباید مسأله را فقط به جنبه آرمانی آن ختم کرد- یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حداقل در زبان، یا به صورت جشن- نه این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که گفته اند. فقط نشستن و اشک ریختن نیست. انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربرازی امام زمان آماده کنیم. سربرازی امام زمان، کار آسانی نیست، سربرازی منجی بزرگی که می خواهد با تمام مرکز قدرت و فساد بین المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد.

آیت الله حاج شیخ حسن ماضعی نقل می‌کند:

امام وقتی پس از ۱۴ سال تبعید به ایران بازگشتند در یک جلسه خصوصی به من فرمودند:

«یادت هست فلان روز (در بیخونه قیام یازده خرداد ۱۳۴۴) به من گفتی: قدری آهسته تر حرکت کنی، کمی سکوت کنی، ممکن است شما را دستگیر کنند و من به شما گفتم: نه خیر، مردم با ما هستند، دولت نمی تواند ما را دستگیر کند. یادت هست این جمله را که گفتمی و من هم آن جواب را دادم. این ۱۴ سال تبعید، کفاره گناه آن که گفتمی و من هم آن من باید می‌گفتم، ما فدا را داریم، اما گفتم، ما مردم را داریم. نتیجه این حرف من باید این ۱۴ سال تبعید باشد. ۱۴ سال تبعید، نتیجه آن گفتمی بود که من از خدا کردم.

برگرفته از ماهنامه «نامه جامعه»، مصاحبه با آیت الله توسلی

مسک

ماهنامه الکترونیکی ستاد
عمره و عبادت دانشگامیان
شماره اول - فرورد ۹۶

کو نشانه‌ات...؟

کنی اگر که با شکی کو نشانه‌ات؟
من با شکی، نشان به همین قیاس

بر روی زلفی زمان خیره ملاحظم
شاید تو را ببینم در زمره یک فطر
حرف خندم عمره این چند واژه است تا کی
شکست خرد شدن، بغض انتظار

تو همیای نبود تو را طم می‌کنند
در سلهای سکت و سرخ و برگبار

تو همی بی‌نور چه که باشد فشکامیت
فرقی نمی‌کند چه زمستان و چه بهار

دبا بر است در همه چیزهای موم
از هر چه فراق نیست، تلخ، تلخ

از زندگی، به شوی و چون وی می‌بین
یعنی که کار، چو، همی، کار، کار
دنیا شوی به شک، بیروت، شب به شب
تو یک می‌شوی به عدم، مرگ، تلخ

یعنی که می‌رسی، جهان یک می‌شود
از هر چه جسم فسد و فاسد، فاسک

آن وقت با دوست خودت بخش می‌کنی
در بین نشگنای جهان، سبب آنگار

این شعر اگر چه قبلتان را نداشته
اگر فقط قبیل کیخی به بخاک

اصلاً برای اینکه بهوم چه گفتیم
انگشت روی صرع نافه خود گذار
این شعر شاعرانه کی می‌ویسی و با
یک مشت درد دل کی می‌آید به کار

مهدوز زانی
برگرفته از ماهنامه سرایت شماره ۶۶، نیمه ۹۶

حکایت خوبان



تا رسد دستت به خود، شو کارگر

علاء محمد تقی جعفری در مورد استادش عارف بزرگ شیخ مرتضی طالقانی می‌گوید:
«در حوضه نجف حدود یک سال و نیم از محضر وی استفاده کردم. دو روز به مسافرت ابدی اش مانده بود. مثل هر روز به محضرش شتافتم. فرمود: برای چه آمدی آقا؟ عرض کردم: «آمده‌ام که درس بفرمایید. فرمود: آقا جان! درس تمام شد! برخیز و برو.»

چون دو روز به ماه محرم مانده بود، عرض کردم: آقا هنوز دو روز به محرم مانده است. فرمود: آقا جان به شما می‌گویم درس تمام شد. من مسافرم. «خر طالقان رفت»، پالایش مانده: روح رفته جسمش مانده». این جمله را به پایان رساند و بعد کلمه لا اله الا الله را تکرار کرد و اشک از چشمتش سر از زیر شد.

در این هنگام، متوجه شدم شیخ از سفر ابدی خویش خیر می‌دهد و این در حالی بود که هیچ گونه نشانی از کسالت و نافرستی نداشت. عرض کردم آقا حالا یک چیزی بفرمایید تا مرخص شوم، فرمود: آقا جان! فهمیدی؟ متوجه شدی؟ بشنو:

تا رسد دستت به خود، شو کارگر
چون قتی از کار، خواهی زد به سر

خواستم دستش را ببوسم نگذاشت، خم شدم پیشانی، صورت و محاسنش را ببوسم و از محضرش بیرون آمدم. فردای آن روز در مدرسه صدر اصفهانی بودم خبر آمد که شیخ مرتضی طالقانی به ابدیت پیوست.
شیخ مرتضی طالقانی در محرم الحرام سال ۱۳۶۳ هجری در سن ۸۹ سالگی در مدرسه سید محمد کاظم زردی که سال ها در آن به عبادت ریاضت و تعلیم و تربیت طالب و روحانیون پرداخته بود، چشم از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست.

برگرفته از نشریه آیینه، دفتر نوزدهم، بهار ۸۶، ص ۵

علاقه شدیدی

پیامبر به حسین علیه السلام

عمر رسول خدا بود، حسین دوران کودکی را می‌گذرانید، روزی حسین علیه السلام در آغوش گرم پیامبر صلی الله علیه و آله بود و پیامبر صلی الله علیه و آله با او بازی می‌کرد و او را می‌خندانید. عیاشه گفت: ای رسول خدا چقدر این کودک را دوست داری و با دیدار او شاد می‌شوی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود: چرا او را دوست نداشته باشم و با دیدار او شاد نگردم با اینکه او میوه قلم و نور چشم من است ولی اتم او را نخواهد کشت. کسی که بعد از وفات او مرقد او را زیارت کند خداوند ثواب یک حج از حج‌های مرا برای زیارت کننده می‌بخشد. عیاشه با تعجب و حالت نابوری گفت: ثواب یک حج از حج‌های تو؟ پیامبر فرمود: بلکه ثواب دو حج من. عیاشه با تعجب بیشتر پرسید: ثواب دو حج تو؟ پیامبر فرمود: بلکه ثواب سه حج من! این موضوع همچنان تکرار شد تا اینکه پیامبر فرمود بلکه خداوند ثواب ۹۰ حج از حج‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله با ثواب عمره‌های آنها را به زیارت کننده خواهد داد.



داستانهای شیدایی از ۱۴ جلد، مجموع می ۶۶-۷۵، نقل از کتاب الزیارات، ص ۶۸

آثار زیارت امام

حسین علیه السلام

بر اساس روایات و احادیث وارده، برخی از آثار و برکات زیارت امام حسین علیه السلام بدین شرح است: اگر زائر بهشت را از خدا بخواهد، خدا به او می‌دهد. اگر از ترش آتش به خدا پناه ببرد، خداوند او را از آتش جهنم پناه می‌دهد. برای زائر امام حسین علیه السلام در شب نیمه شعبان، شب عید فطر و شب عرفه هزار حج ضرور و هزار عمره مقبوله نوشته می‌شود. خداوند را در عرض زیارت می‌کند. خداوند برای او ثواب صد حج صد عمره و صد جهاد با پیامبر مرسل و با امام عادل را به او می‌دهد. در شب و روز عرفه خداوند ابتدا به زائران امام حسین علیه السلام نظر رحمت می‌کند و سپس به میهمانش در صحرای عرفات.

با عرض سلام و احترام خدمت دانشجویان و اساتید عمره گزار و ضمن تبریک اعیاد شعبانیه، اولین شماره نشریه الکترونیکی «مسک» تقدیم شما عزیزان می‌گردد. امید است ما را از نظرات و پیشنهادات خود بهره مند سازید: mesc@labbayk.ir